



تمسک به قرآن تنها راه نجات و رستگاری

**سخنان حجت الاسلام والمسلمین
دکتر محی الدین بهرام محمدیان
در مراسم پایانی چهاردهمین
جشنواره کتاب‌های آموزشی (ویژه کتاب‌های قرآنی)**

در آیین اختتامیه چهاردهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد (ویژه کتاب‌های قرآنی) که روز دوشنبه (۴ اردیبهشت‌ماه) هم‌زمان با شب معیت رسول اکرم (ص) در تالار کوثر مسجد امام صادق (ع) برگزار شد، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدیان، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به ایراد سخن پرداخت که مشروح آن از نظر شما می‌گذرد:

معارف آسمانی قرآن در نظام تعلیم و تربیت

هم مهجور مانده است

در آموزش و پرورش در این سال‌های اخیر انصافاً کارهای زیادی به برکت انقلاب اسلامی صورت گرفته است و البته که من هر چه می‌گویم و همه این توصیف‌ها، به برکت انقلاب اسلامی است. به خاطر دارم که خودم در حدود ۱۳ یا ۱۴ سالگی روش روخوانی قرآن و بعدها روش تدریس می‌گفتم. از جیبمان خرج می‌کردیم و کلی حرص و جوش می‌خوردیم تا بتوانیم به چهار نفر «ا، ب، ت» یاد بدهیم.

معمولاً هم در مساجد مأمورانی - که بعضاً هم از نیروهای بازنشسته ژاندارمری بودند - می‌آمدند و مزاحم کار می‌شدند و سؤال می‌کردند که در بین حرف‌هایت، فلان جمله یا فلان کلمه چه بود؟ منظورت از بیان آن چیست؟

خدا بیامرزد آقای کیوش را. ایشان برای اینکه صدای بلند را کوتاه می‌کنیم، روشی داشت و می‌گفت مثلاً سران را می‌بریم و همین عبارت «سران را می‌بریم» یک حاشیه سیاسی درست کرده بود که می‌آمدند و می‌پرسیدند که منظور از بیان این عبارت چیست.

امروز این همه سلامتی و آرامش خاطر و اینکه اگر کاری انجام می‌شود، همه از ما تشکر می‌کنند، به برکت انقلاب اسلامی

حاصل شده است. اصلاً در آن شرایط، بنده و امثال بنده فرصت و مجال پیدا نمی‌کردیم که بخواهیم برای یک جمعیت میلیونی حرف بزنیم و کار کنیم. اگر احياناً فرصتی هم حاصل می‌شد و دو تا کتاب از جنس قرآنی می‌نوشتیم، باید آن را می‌دادیم در کوچه حاجی نایب ناصر خسرو از آن نقاشی‌های پرده خانه‌ای برایش می‌کشیدند و حرف و صحبت‌های امروزی مانند طراحی، گرافیک و صفحه‌آرایی برای چنان آثاری اصلاً متصور نبود. این نعمت‌ها جای خودشان را دارند و بابت آن‌ها شکرگذار هستیم که خداوند این نعمت‌ها را عنایت کرد و این انقلاب شکل گرفت. البته آقای محمود حکیمی را من در اینجا می‌بینم و در مجلس قرآنی ما حضور دارند و احساس می‌کنم که وظیفه دارم به آقای حکیمی هم ابراز ارادت کنم. خاطر من هست، اولین کتابی که از ایشان خواندم، کتاب «اشراف‌زاده قهرمان» و درباره یک معلم قرآن بود که از طرف پیامبر به مدینه اعزام شده بود. بعد هم کتاب سوگند مقدس را از ایشان خواندم که تصویر روی جلد آن "مشت گره کرده‌ای" بود و بعد که کتاب «پیکار سرنوشت» را مطالعه کردم، آرزو کردم ای کاش من هم می‌توانستم برای مبارزه به جزیره «میدانائوی فیلیپین» بروم. اما حالا به برکت انقلاب اسلامی همه این‌ها یکجا به ما ارزانی داشته شده است که باید از آن قدرشناسی کنیم.



**محمدیان: با این همه
نشر و پخش و این همه
دبده و کبکبه‌های
فرهنگی و ادعاهایی
که در حوزه مفاهیم و
ادبیات قرآنی داریم،
سهم کتاب‌های قرآنی ما
- همان‌گونه که دوستان
اشاره کردند - خیلی کم
و ناچیز است**

در آموزش و پرورش هم کارهای خوبی انجام شده است و وقتی به آنچه انجام گرفته، نگاه می‌کنم، به این نتیجه می‌رسم که باید از تک‌تک کسانی که این کارها را انجام داده‌اند، تشکر کرد و امروز نوبت ما رسیده است تا این کارها را ادامه دهیم. اما وقتی به کارهای نکرده و افق مورد نظر نگاه می‌کنیم، می‌بینیم باید از محضر و ساحت قرآن اعتذار بجوییم و عذر تقصیر به پیشگاه قرآن و پیامبر بیاوریم. کارهای زیادی صورت گرفته است، اما آنچه هم که مانده است، عظیم و قابل توجه است و واقعاً اگر هیچ‌کس هم سؤال نکند، برای ما در پیشگاه وجدان خودمان قابل قبول و پذیرش نیست.

اگر فقط به همین حدیث «حاسبوا قبل ان تحاسبوا» توجه کنیم و وجدان خودمان را قاضی قرار دهیم نخواهیم پذیرفت که با این همه نشر و پخش و این همه دبده و کبکبه‌های فرهنگی و ادعاهایی که در حوزه مفاهیم و ادبیات قرآنی داریم، سهم کتاب‌های قرآنی ما - همان‌گونه که دوستان اشاره کردند - خیلی کم و ناچیز است. در این میان، داوران ما گفته‌اند که ۳۱۳ اثر مناسب شناخته شده و به جشنواره راه یافته است. حتی اگر فرض کنیم که برخی آثار از دید داوران ما به دلایل متفاوت پنهان مانده‌اند، باز هم این تعداد اثر خیلی کم

است. ما حداقل ۱۲ میلیون جمعیت دانش‌آموزی داریم و باید محاسبه کنیم، اگر برای این جمعیت دانش‌آموزی سرانه کتاب قرآنی قائل باشیم، به چه عددی خواهیم رسید و آثار موجود چه بخش کوچکی از این سرانه بزرگ خواهند بود.

ما برای رسیدن به آن سرانه چه تعداد کتاب باید تولید کنیم؟ آموزش قرآن یک بخش است، مفاهیم قرآن یک بخش است، معارف و فنون قرآن یک بخش دیگر است، ادبیات قرآنی و قصه و شعر یک بخش است. حالا باید ببینیم ما برای این بخش‌ها چقدر کار کرده‌ایم. با نتایجی که از آثار همین جشنواره حاصل شده است، به نظر می‌رسد که ما کم‌کاری کرده‌ایم. البته اولین مخاطب این صحبت هم خودمان هستیم. ما و من محمدیان در این خصوص کم کار کرده‌ایم و قرآن حق بسیار بزرگ‌تری بر گردن ما دارد.

آقای فیض (معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش) جمله ای را بیان کردند و من هم به آن معتقدم. ما در همین اقل‌ها هم کم کار کرده‌ایم. دوستان قرآنی وزارت آموزش و پرورش هم حضور دارند و من هم بارها عرض کرده‌ام که اول مهجوریت قرآن در آموزش و پرورش این است که بچه‌های ما که از کلاس سوم ابتدایی گذر می‌کنند، هنوز روخوانی قرآن در آن‌ها تثبیت

نشده است. در مورد دانش‌آموزانی که از دوره ابتدایی بیرون می‌آیند، هنوز روان‌خوانی قرآن تثبیت نشده است. آنانی که از دوره متوسطه اول می‌آیند، مفاهیم قرآن در آنان تثبیت نشده است و آن‌هایی هم که از دبیرستان فارغ‌التحصیل می‌شوند، هنوز مهارت‌های قرآنی در آنان تثبیت نشده است. ما این را در برنامه درسی ملی پیش‌بینی کرده‌ایم و کار را باید این چنین ببینیم: روخوانی، روان‌خوانی، آشنایی با مفاهیم و مهارت‌آموزی.

این یکی از مهجوریت‌های قرآن در نظام تعلیم و تربیت است. سال قبل هم گفتم که درجه بالاتر از این مهجوریت آن است که ما با این مهارت و مفاهیم زندگی نمی‌کنیم، چون بحث و هدف ما که تنها حفظ، روخوانی و روان‌خوانی قرآن نیست و عمل کردن به قرآن لازمه کار است. از این بالاتر این است که قرآن اساساً در نظام، مبنای برنامه‌ریزی درسی ما نبوده است؛ یک تکانی با سند تحول و برنامه درسی ملی خورده است. مثلاً ما چند نظریه اقتصادی قرآنی داریم؟ اقتصاددان‌ها و برنامه‌ریزان اقتصادی ما در این کشور چقدر بر مبنای زکات، صدقات، انفاقات و تبرعات برنامه‌ریزی می‌کنند؟ یا اینکه نظام قرض‌الحسنه در کجای نظام اقتصادی ما جای خودش را پیدا کرده است؟ ما در نظام اقتصادی یک قرض‌الحسنه با ده‌ها جور کار مزد، دیرکرد و غیر دیرکرد داریم که داد مراجع را - که صاحب‌نظران این حوزه هستند - درآورده است. بعد هم عده‌ای آمده‌اند و می‌گویند آقایان مراجع بروند و فتوای خودشان را بدهند که اینجا حوزه علم است.

در برنامه‌ریزی‌های سیاسی ما، توسعه سیاسی بر چه مبنایی است و چه کسی می‌تواند ادعا کند که این برنامه‌ریزی‌ها بر مبنای قرآن است؟ قرآن مشارکت مردمی را چنین گفته است؟ قاعده شورا را ما این چنین پیش‌بینی کردیم؟ حقوق مردم را بر والیان و حقوق والیان را بر مردم این چنین پیش‌بینی و نهادینه کرده‌ایم و کلی‌گویی نکرده‌ایم؟ نه مثل اینکه بخواهد حرفی را روی منبر برای عموم بیان کند و چون روی منبر همه - مثل من - حرف می‌زنند و من هم حرف می‌زنم، اما اینکه نهادینه شده باشد و بگوییم امری نهادینه شده، چیز دیگری است.

یکی از مهجوریت‌های قرآن این است که قرآن در کشور ما هنوز به‌عنوان مبنای برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های ما به‌صورت کلان مورد توجه و عنایت قرار نگرفته است. حجت‌الاسلام والمسلمین حمید محمدی اینجا هستند و من می‌گویم که «منشور قرآنی» باید به این موضوع توجه کند. روخوانی و روان‌خوانی تابع این سیاست‌گذاری‌های اساسی است که به قول مولانا، اگر این حاصل شود، آن هم حاصل خواهد شد و اگر کشاورز موفق شود که گندم را برداشت کند، کاه هم برداشت خواهد کرد. اگر این مبنا درست شود، آن هم حاصل خواهد شد.

توجه به اصل مشکلات در آموزش و پرورش برای حل مسائل خیلی مهم است. چند سال قبل و پیش از نوشتن سند بنیادین تحول در آموزش و پرورش و سند ملی برنامه درسی، من به دوستان می‌گفتم که ما در آموزش و پرورش در این خصوص چند مشکل داریم. یعنی وقتی سند تحول را می‌نوشتیم، سه جبهه مقاومت در مقابل آن وجود داشت:

یکی از این نظرات مخالف، مربوط به سلطنت‌طلب‌ها بود که نمی‌خواستند چنین سندی نوشته شود. دیگری هم مقدسین بی‌حکومت بودند که راضی نبودند چنین سندی نوشته شود. سومین گروه هم لیبرال دموکرات‌ها بودند.

از وقتی که سند نوشته شد هم همین سه گروه به دنبال مشکل‌آفرینی‌اند که یا می‌خواهند سند را تضعیف کنند یا به دنبال تحریف آن هستند و یا می‌کوشند چیزی را به آن تحمیل کنند. امروز شما می‌بینید که بعضی جاها برای سند تحول بنیادین رقیب‌تراشی می‌شود تا این استعدادها و توانایی‌ها به جای دیگری برود. من نمی‌گویم این سند کامل و بر مبنای قرآن تنظیم شده است، اما اعتقاد دارم نمی‌ازیم قرآن بر آن نشسته است. در حوزه ادبیات فارسی، در حوزه مطالعات اجتماعی و در حوزه علوم چنین نگاهی داریم؛ ولی عده‌ای به همین نگاه هم اشکال می‌کنند که ادبیات شما همه‌اش تعلیمات دینی شده است. گاه هم دوستانی - که خداوند ان‌شاءالله همه ما را نسبت به زمان خود آگاه کند - که انتظار دیگری از آن‌ها می‌رود، شک و شبهه‌هایی را پمپاژ می‌کنند که آدم با خودش می‌گوید چه کشیدند آن بزرگانی که در تاریخ بوده‌اند!

اما امروز تنها راه نجات، راه خلاص و راه رستگاری این است که به قرآن تمسک کنیم. اگر چه جمع کنونی ما جمع کوچکی است، اما همین جمع با این عزمی که برای توسعه آموزش‌های قرآنی و سامان‌دهی بازار نشر این حوزه دارد، ان‌شاءالله در آینده‌ای نزدیک، نتایج خوبی به دست خواهد آورد. البته باید راه و روش درست پایداری را بدانیم و با انتخاب‌های درست و خوب، مسیر صحیحی را در این خصوص دنبال کنیم. خلاصاً را باید پر کنیم و از تکرار مکررات خودداری ورزیم. البته من اعتقاد ندارم که تکرار همیشه بد است، ولی باید از تکرار مکررات بی‌معنا بپرهیزیم و کارهای نو و بدیع انجام دهیم. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرَجَّةُ». منظور از این «بالحدیث» در این فراز از سخن امام معصوم، تنها سخن گفتن نیست و پدیده‌های نو مورد نظر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «... إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَلَعِيْكُمْ بِالْقُرْآنِ». قرآن راهگشاست و مسیر را به شما نشان می‌دهد.

این حرفی که می‌زنم باید از خودم شروع کنم. به قول امام جمعه‌ها: «اوصیکم و نفسی بتقوی الله». حضرت عباسی و راست

حسینی بیاییم کار قرآن را با دنیا معامله نکنیم. اگر همه چیز را با دنیا معامله می‌کنیم، حداقل قرآن را قاطعی این کارها نکنیم و برای نشر و تولید کتاب‌های قرآنی حق‌التحریر کذا و کذا نخواهیم. ما خودمان در یک دوره‌ای برای پیش‌دستان در این زمینه کاری را تولید و چاپ کردیم و برخی دوستان حرفشان این بود که پشت جلد این کتاب و حق‌الزحمه آن باید میلیونی محاسبه شود، چون در شمارگان میلیونی چاپ شده است. صحبت ما هم این بود که بابا: خوش انصاف! اگر این کار در قالب کتاب درسی جاب نمی‌شد و در پیشخوان کتاب‌فروشی عرضه می‌شد که چنین شمارگانی نداشت. با همه چیز معامله کنیم، حلال! اما با قرآن چاپ کردن، قرآن تفسیر کردن و چاپ کتاب قرآنی معامله نکنیم.

این حرف مرا بشنوید و این جسارت را بر من ببخشید. خدمت آقای محمدی که مصدر کار هستند، عرض می‌کنم و روی خطابم بیشتر با ایشان است. گزارش‌های دهان پرکن و گوش پرکن و گزارش‌های مفصلی را که توی آن‌ها کمی آب بسته شده است، نپذیریم. این در حالی است که گاهی خودمان این شکل کار را می‌پذیریم. خب مؤونه ما همین ۳۱۳ کتاب است که

این ۳۱۳ کتاب از سوی ۷۷ ناشر منتشر شده‌اند. البته استعداد ما بیشتر از این است، اما آنچه انجام شده و مؤونه ما همین است

وقتی تلفنی با آقای قرائتی صحبت کردم، از جهتی متأسف شدم که ایشان به دلیل سفر به عتبات عالیات در این مجلس حضور ندارند. اما از جهتی هم خوش‌حالم، چون اگر ایشان حضور داشت و این گزارش‌ها را در مورد آثار قرآنی می‌شنید، دست به عصایش می‌برد و فریادش از چنین وضعیتی بلند می‌شد. فردا هم اعتراضش را در تلویزیون می‌گفت. حالا آقای متوسل هم اندکی اندازه این مسائل را کم می‌کند و بعد به ایشان انتقال می‌دهد. ما باید در این زمینه خیلی کار کنیم.

درخواست من از دوستانم در آموزش و پرورش این است که به آنچه انجام گرفته است، بسنده نکنند و در طراحی و اجرای برنامه‌ها بیشتر به فضاها و متن قرآن نزدیک شوند. امسال هم این سالن را که جنب مسجد حضرت امام صادق (ع) قرار دارد، برای برگزاری مراسم این جشنواره انتخاب کرده‌ایم تا بگوییم، همه اجزای یک برنامه قرآنی باید با هم چفت و هم‌هنگ باشند. در پایان سخن از تشریف‌فرمایی و حضور همه عزیزان در این جمع صمیمی سپاس‌گزاری می‌کنیم و خداوند بزرگ را بابت همه نعمت‌هایی که به ما عنایت کرده‌اند، شاکریم ■

محمدیان:

اما امروز تنها راه

نجات، راه خلاص و راه

رستگاری این است که

به قرآن تمسک کنیم